

مدیریت راهبردی عصرمدار

فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۸۹

دکتر علی اصغر پورعزت (دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران)؛ مدیریت راهبردی عصرمدار؛ رویکرد آینده‌پژوهانه به منافع عمومی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۹.

مقدمه

با ورود اصطلاح «برنامه‌ریزی توسعه» به ادبیات علمی توسعه در ایران، ابتدا موجی از امید، پدیدار و سپس به تدریج نوعی مفهوم ناکامی در آن مستتر شد؛ به طوری که گاهی تصور اهداف و برنامه‌های توسعه، تصویری از رویاهای دست‌نیافتنی را تداعی می‌کرد! علل متعددی را می‌توان در تحلیل این ناکامی‌ها رصد کرد؛ از آرمان‌گرایی و غیر واقع‌بینانه بودن گرفته تا ضعف در تخصص و فن برنامه‌ریزی! پس از انقلاب اسلامی نیز تنشهای جهانی، رقابت در عرصه اقتصادی را ساحتی جدید بخشید و تحریمها و تهدیدها را به آن افزود. با وجود این، در حالی که برنامه‌ریزی به اضطرار، باید پیچیده‌تر و دقیق‌تر و عمیق‌تر می‌شد، مورد اغماض واقع شد و به اعتباری، با تساهل در امر برنامه‌ریزی، صورت مسئله پاک شد. حاصل کار آنکه، برنامه‌ها تحقق‌نیافتنی ماندند و تفریغ بودجه بی‌اثر قلمداد شد و هر سطحی از عملکرد، قابل دفاع شد؛ زیرا وقتی هدف شما مشخص نباشد، می‌توانید تیر خود را به هر سویی از صحرا رها کنید و به هر جا که رسید، ادعا کنید دقیقاً به هدف زده‌اید.

باید توجه داشت که توسعه دانش مدیریت راهبردی در ایران، وامدار تحصیل‌کردگان و مترجمانی است که در تداوم نهضت ترجمه، آثار متعددی را در اختیار دانش‌پژوهان ایرانی قرار داده‌اند؛ ضمن اینکه این دانش، به شدت از دانشمندان مدعی در

این گروه لطمه خورده است! مدعیانی که در سیر تبعیت محض از الگوهای تدوین شده در خارج، به شکل جمودانگیخته‌ای، مانع اظهار نظر، نقد و تحلیل مستقل دانش پژوهان بومی می‌شدند و در حداکثر خلاقیت قابل تصورشان، همت خود را به کار بست الگوهای از پیش طراحی شده برای تحلیل مسائل و موضوعات جدید معطوف می‌کردند.

بدین ترتیب نویسنده اثر با مد نظر قرار دادن ضرورت طراحی الگوهای بومی برای مدیریت راهبردی، حاصل نزدیک به دو دهه تأملات و متبوعات را خود در این حوزه، در قالب کتاب «مدیریت راهبردی عصرمدار؛ رویکرد آینده‌پژوهانه به منافع عمومی» به رشته تحریر درآورده و آن را در معرض نقد، اصلاح و تکمیل جامعه علمی قرار داده است.

ساختار محتوایی

نویسنده، کتاب حاضر را مشتمل بر هشت فصل و در ۲۷۴ صفحه تنظیم کرده است. وی ساختار **فصل اول** را بر این مفهوم مبتنی ساخته که آنچه امروز انجام می‌شود، واقعیت‌های فردای جامعه را می‌سازد؛ بنابراین، سرنوشت آیندگان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو، برنامه‌ریزان در هنگام تأمل بر اعمال امروز، باید چنان بصیرت خویش را صیقل دهند که آینده را به وضوح در امتداد آن درک کنند. این مهم، مستلزم پرورش توان تفکر تسلسلی و تقویت هوش آینده‌پژوهی در تحلیل پیامدهای اعمال امروز است. وی در ادامه به مرور مبانی و مفاهیم اولیه مباحث برنامه‌ریزی راهبردی، سلول‌گرایی و اهمیت آن در برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و ماهیت آشوبناک سیستم‌های اجتماعی پرداخته است.

فصل دوم کتاب، ضمن مروری گذرا بر برخی دیدگاهها در حوزه مدیریت راهبردی، بر دو نوع‌شناسی «ویتینگتون» و «مینزبرگ» درباره فراگرد شکل‌گیری راهبرد تأکید کرده و پس از بررسی این دیدگاهها اظهار می‌دارد که کتاب حاضر با تمرکز بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر «ثبات عقلانی» و «انعطاف اضطراری» برای مواجهه مؤثر و کارآمد با واقعیت‌های جهان معاصر، بر طراحی سیستم برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار تأکید می‌کند. عمده‌ترین وجوه تمایز این سیستم، «انعطاف در برابر تغییرات عصر و دوران» و «ظرفیت

تدارکاتی نسبتاً بالا برای جایگزینی سلولها یا سناریوهای از پیش طراحی شده، در قالب برنامه‌های راهبردی» است.

در **فصل سوم**، اهمیت توجه به منابع ملی مورد تأکید قرار گرفته، به ویژه به مباحثی چون: ضرورت آمایش سرزمین و استعدادهای ملی اشاره شده است. فصل چهارم به طرح بحث از ضرورت مواجهه برنامه‌ریزی شده با اضطرارها و اهمیت کاربست سلول‌گرایی در طراحی برنامه اختصاص یافته و در آن، ماهیت پیوندهای سلولهای برنامه‌ای مورد تأمل قرار گرفته و در فصل پنجم به مقوله برنامه‌ریزی فرانسلی و اهمیت رویکرد فرازمانی به برنامه‌ریزی ملی پرداخته شده است.

فصل ششم، به مثابه یکی از مهم‌ترین فصول کتاب، به تشریح چگونگی تدوین و اجرای برنامه‌های سلولی پرداخته است. نویسندگان در این فصل تلاش کرده تا با ارائه مثالهایی عملیاتی، مفهوم سلول‌گرایی و عصرمداری را در برنامه‌ریزی، تبیین و چگونگی رمزگشایی و اجرای چنین برنامه‌هایی را تشریح کند.

فصل هفتم، با توجه به اهمیت بنیادهای دانشی در موفقیت سیستم برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار، به ساز و کارهای حفظ دانش و مفهوم پشتیبانی از راهبرد و برنامه اختصاص یافته است. نویسندگان در این فصل اشاره می‌کنند که می‌توان سیستم برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار را یک سیستم اطلاعاتی جامع یا یک سیستم جامع حمایت از خط‌مشی فرض کرد. این سیستم ضمن ذخیره‌سازی اطلاعات و برنامه‌های گوناگون، از طریق خرده‌سیستم دیده‌بان متصل به خود، به طور دائم در معرض بازپردازی و به‌روزرسانی قرار می‌گیرد و می‌تواند بر حسب مقتضیات جدید، برنامه‌های خود را ارتقا بخشیده، اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان و مجریان را تأمین کند.

در **فصل هشتم**، اهمیت نگاه واقع‌بینانه به ایران و فرصتها، محدودیتها، منابع و تهدیدهای پیرامونی آن، بحث شده و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تبیین واقع شده است. سپس نویسندگان بیان می‌کنند که باید شبکه‌ای از برنامه‌های سلولی معطوف به چشم‌انداز طراحی شود و بر توسعه کشور در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اداری و حقوقی تأکید کنند. همچنین لازم است که خرده‌سیستم دیده‌بان کارآمدی طراحی شود تا با درک صحیح از موقعیت ایران حاضر،

در اینجا و اکنون، به طور واقع‌بینانه امکان تدارک نیروها و بسیج منابع ملی را برای نیل به اهداف مطلوب فراهم کند. در نهایت نیز تأکید شده که جایگاه سازمانی سیستم برنامه‌ریزی و خرده‌سیستم دیده‌بان باید بر فراز سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه باشد تا بتواند فارغ از جریانات روزمره ناشی از آهنگ تغییر قدرت سیاسی، به منافع ملی و خدمت به مردم ایران بیندیشد.

در این کتاب، با وجود تأکید بسیار بر مقوله برنامه‌ریزی، از آنجا که به لحاظ اجتناب‌ناپذیری، بحث از اجرا و کنترل به میان آمده است، از عنوان مدیریت راهبردی عصرمدار استفاده شده است. با این حال، نویسنده تأکید کرده است که با وجود طرح مباحث اجرا و کنترل راهبرد، در این کتاب بیشتر به مقوله برنامه‌ریزی و تدوین راهبرد پرداخته است. وی همچنین تلاش کرده است با رویکردی کاربردگرایانه، علاوه بر سؤالات نظری و علمی، مجموعه‌ای از سؤالات راهنمای تدوین راهبرد را در پایان هر فصل در قالب تمرینها و سرمشقه‌های کارگاهی ارائه کند. نکته قابل توجه این است که نویسنده، الگوی برنامه‌ریزی پیشنهاد شده در این کتاب را قابل توسعه و تطبیق دانسته، از قابلیت انعطاف آن برای به کارگیری از سطح ملی و فراملی گرفته تا سطح فردی، سخن گفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی